

پس از انقلاب مشروطیت، تدوین و تصویب اولین قانون بلدیة، تشکیل نهادی به عنوان بلدیة و سپس شهرداری، انتخاب شورای شهر و شهردار، ورود اتومبیل به شهر و متعاقب آن قانون تعریض معابر در سال ۱۳۱۲، وقوع دو جنگ جهانی، و مواردی از این دست، که بدون شک انعکاس گسترده‌ای در چهارباغ داشته، لازم به پی‌جویی است.

بیش از چهارصد سال از تولد چهارباغ می‌گذرد، در این میان کمتر به حیات چهارباغ در دوره معاصر پرداخته شده و بیشتر به توصیف و تحلیل معماری - شهرسازی چهارباغ از زمان پیدایش تا پایان دوره صفوی همت شده است، حال آنکه با توجه به جمیع تغییر و تحولاتی که در این قرن رخ داده است، به نظر می‌رسد چهارباغ را باید از نو توصیف و یا تلاشی در این زمینه کرد. به ویژه



ارباغ در دوران معاصر

پیش درآمد

و از کنار رودخانه تا پای کوه جانب جنوبی شهر، انتهای خیابان چهارباغ قرار داده، اطراف آن را برامرا و اعیان دولت قاهره قسمت فرموده‌اند، که هر کدام باغی طرح انداخته و در درگاه باغ عمارتی مناسب بر درگاه مشتمل بر درگاه و ساباط رفیع و ایوان و بالاخانه‌ها و منظره‌ها در کمال زیب و زینت و نقاشی‌های به طلا و لاجورد ترتیب دهند و در انتهای خیابان باغی بزرگ و وسیع پست و بلند^۱ طبقه جهت خاص پادشاهی طرح انداخته به باغ عباس آباد موسوم گردانیدند و پل عالی مشتمل بر چهل چشمه [سی‌وسه پل امروز یا پل الله‌وردیخان]^۱ به طرز خاص میان‌گشاده که در هنگام طغیان آب در گل، یک چشمه به نظر در می‌آید، قرار دادند که بر

توسعه شهر اصفهان خارج از برج و باروی سلجوقی، پس از آنکه به پایتختی امپراتوری صفوی انتخاب شد، در دستور کار قرار گرفت، به بیان اسکندربیک منشی مؤلف کتاب *عالم‌آرای عباسی*: «در سال ست و الف هجری (۱۰۰۶ هجری قمری، ۱۵۹۶ میلادی) رأی جهان‌آرا [شاه‌عباس اول] بدان قرار گرفت که دارالسلطنه مزبور را مقر دولت ابدمقرون ساخته و عمارات عالی طرح نمایند... ایام بهار عمارات عالی در نقش جهان طرح انداخته معماران و مهندسان در اتمام آن می‌کوشیدند و از دروب شهر یک دروازه در حریم باغ نقش جهان واقع و به درب دولت [دروازه دولت فعلی] موسوم است، از آنجا تا کنار زاینده‌رود خیابانی احداث فرموده، چهارباغی در هر دو طرف خیابان و عمارات عالی به درگاه هر باغ طرح انداختند

۱. پل الله‌وردی‌خان از آغاز سی‌وسه چشمه داشته و عدد چهل در اینجا اشاره به کثرت دارد.





خیابان چهارباغ از جنوب مدرسه
مادرشاه اثراوژن فلاندن

آنچه از نوشتار اسکندر بیگ قابل استنباط است، آنکه: ■ چهارباغ خیابانی است از پیش اندیشیده شده و طراحی شده به ذوق و همت معماران و مهندسان که نه تنها در قیاس با زمان خود بلکه تا اوایل قرن حاضر، عریض محسوب می شده است. دستور تهیه طرح و تصویب آن هر دو به امر و حکم شاه عباس بوده است.

■ چهارباغ در تبعیت از بستر طبیعی اش از دروازه ای در حریم دولتخانه صفوی (دروازه دولت) شروع و با عبور از زاینده رود، به دروازه باغ عباس آباد (هزارگریب) در پای کوه ختم می شده است.

■ در چهارباغ زمین آرایبی و جداره ها به نحوی طراحی شده که شرایط برای عبور، ماندن، گردش کردن و تفریح را فراهم می ساخته است. چنانکه مشاهده امروزی ما از سی و سه پل نیز بر این موضوع دلالت دارد.

■ چهارباغ خیابانی بود که به امر شاه، امرای امپراتوری به همراه شاه در دو سمت خیابان «عمارات عالییه» خود را بنا کردند، اگرچه در درگاه هر باغ عمارتی مناسب مشتمل بر درگاه و ساباط رفیع و... نیز ساخته شده بود، که غیر امرا نیز می توانستند نشستند و ماندن را در خیابان تجربه کنند،

زاینده رود بسته هر دو خیابان [چهارباغ عباسی و چهارباغ بالای امروزی] به یکدیگر اتصال و تا عباس آباد^۱ یک خیابان باشد. تخمیناً یک فرسخ شرعی و از دو طرف خیابان جوی آب جاری گردد و درختان سرو و چنار و کاج و عرعر غرس شود و از میان خیابان نهری سنگ بست ترتیب یابد که آب از میان خیابان نیز جاری باشد و در برابر عمارت چهارباغ حوض بزرگ به سان دریاچه ساخته شد. القصه هر کس از امرا و اعیان و سرکاران، عمارت به وقوف معماران و مهندسان شروع در کار کرده و در انجام آن سعی گشتند و از آن تاریخ تا حال که سنه هجری خمس و عشرين و الف [۱۰۲۵ هجری، ۱۶۱۵ م] رسیده و این شگرف نامه تحریر می یابد، عمارات با صفا و باغات دلگشا به نوعی که طرح کارخانه ابداع در عرصه ضمیر مبارک اشرف طرح افکنده بود به حیز ظهور آمده در کمال لطافت و نهایت خوبی اتمام یافت.» (اسکندر بیگ منشی، سال)

۱. باغ عباس آباد یا هزارگریب، با اندکی اغماض محدوده ای بوده است که مرکز آن دروازه شیراز بوده و با چهار برج مشخص می شده؛ برج جنوب شرقی در تقاطع خیابان برج و شیخ صدوق و برج جنوب غربی در غرب دانشگاه اصفهان موجود است؛ برج شمال غربی در تقاطع خیابان توحید و قزلباش و برج شمال شرقی بالاتراز تقاطع نیکبخت و شیخ صدوق بوده است.



اما بدیهی است این همجواری عمارت‌های شاه و امرا در دو سمت خیابان بدون تأثیر بر عملکرد آن نیست، چنانکه تغییر کاربری باغ زرشک در سمت جنوبی پل به کارخانه صنایع پشم در قرن بیستم و سایر کارخانه‌های مستقر در باغات در تغییر کارکرد خیابان چهارباغ تأثیر جدی داشت. مقایسه جذب و دفع سفر باغ امرا و کارخانه صنایع پشم تصویر روشنی از فعالیت و گروه‌های اجتماعی مرتبط در فضای شهری در دوره صفوی و پهلوی به دست می‌دهد.

با سقوط امپراتوری صفوی، باغ‌های هر دو سوی چهارباغ بالا رو به فرسودگی می‌گذارد، همچنان که قصبه جلفا، محله عباس‌آباد و کاخ‌های سعادت‌آباد، هفت‌دست و آینه‌خانه و از جمعیت شهر نیز کاسته می‌شود، اما دو گراور اوژن فلاندن در اواسط قرن نوزدهم (۱۸۴۰م - ۱۲۵۶ قمری) نشان می‌دهد که:

- چهارباغ همچنان مکانی برای ماندن، گردش کردن، اطراق و عبور بوده است.
- بخشی از زمین‌آرایی پیشین به قوت خود باقی است:

– جوی آب سنگی در میان خیابان، انبوه درختان کهنسال، آبشار، ریزش آب به حوض‌های سنگی، ...

– قهوه‌خانه‌ای در بدنه خیابان، اطراکگاه‌هایی در کنار جوی، و مردانی که قلیان می‌کشند، این منظره را عبور شتر تکمیل می‌کند.

■ حضور مدرسه چهارباغ در بدنه و جوار خیابان تغییر جدی است در آنچه شاه عباس طرح‌ریزی و اجرا کرد و چنانچه گراور از صحت و جزئیات واقعی برخوردار باشد، بخشی از تجمع اهالی یا مسافران پیرامون بازارچه بلند، کاروانسرای مادرشاه و مدرسه چهارباغ است.

تغییر کاربری بدنه شرقی چهارباغ از دروازه دولت تا مادی فرشادی در زمان شاه‌سلطان حسین به مدرسه علمیه، کاروانسرا و بازار این بدنه را تا پایان دوره قاجار زنده نگه داشت و در همین محدوده، بدنه غربی هم به نسبت زنده باقی ماند، اما امتداد چهارباغ تا پل و تداوم آن تا باغ هزارگریب به‌ویژه با تخریب کاخ آینه‌خانه و انحطاط جلفا، اگرچه این مسیر همچنان مسیری تفریحی بود، اما فاقد فعالیت و امنیت لازم به‌منظور زنده نگه داشتن آن است. قطعه شعر ضیاء کفرانی که مربوط به اواخر دوره قاجار است و جمال‌زاده به نقل از جنگ پدرش آقا جمال‌الدین واعظ روایت می‌کند، تصویر گویایی است از چهارباغ در این دوره:

تحول در اداره و تهیه نقشه شهر

با تصویب قانون بلدیه در سال (۱۲۸۶-۱۹۰۷م)، به منظور «حفظ منافع شهرها و ایفای حوائج اهالی شهرنشین» بلدیه تأسیس می‌شود، از جمله امور راجع به بلدیه عبارت است از:

- اداره کردن آنچه اهالی شهر برای اصلاح امور بلدیه به موجب قانون می‌دهند.

- اداره کردن اموال منقوله و غیرمنقوله و سرمایه‌هایی که متعلق به شهر است.

- ساختن و پاک نگاه داشتن کوچه‌ها و میدان‌ها و خیابان‌ها و ...

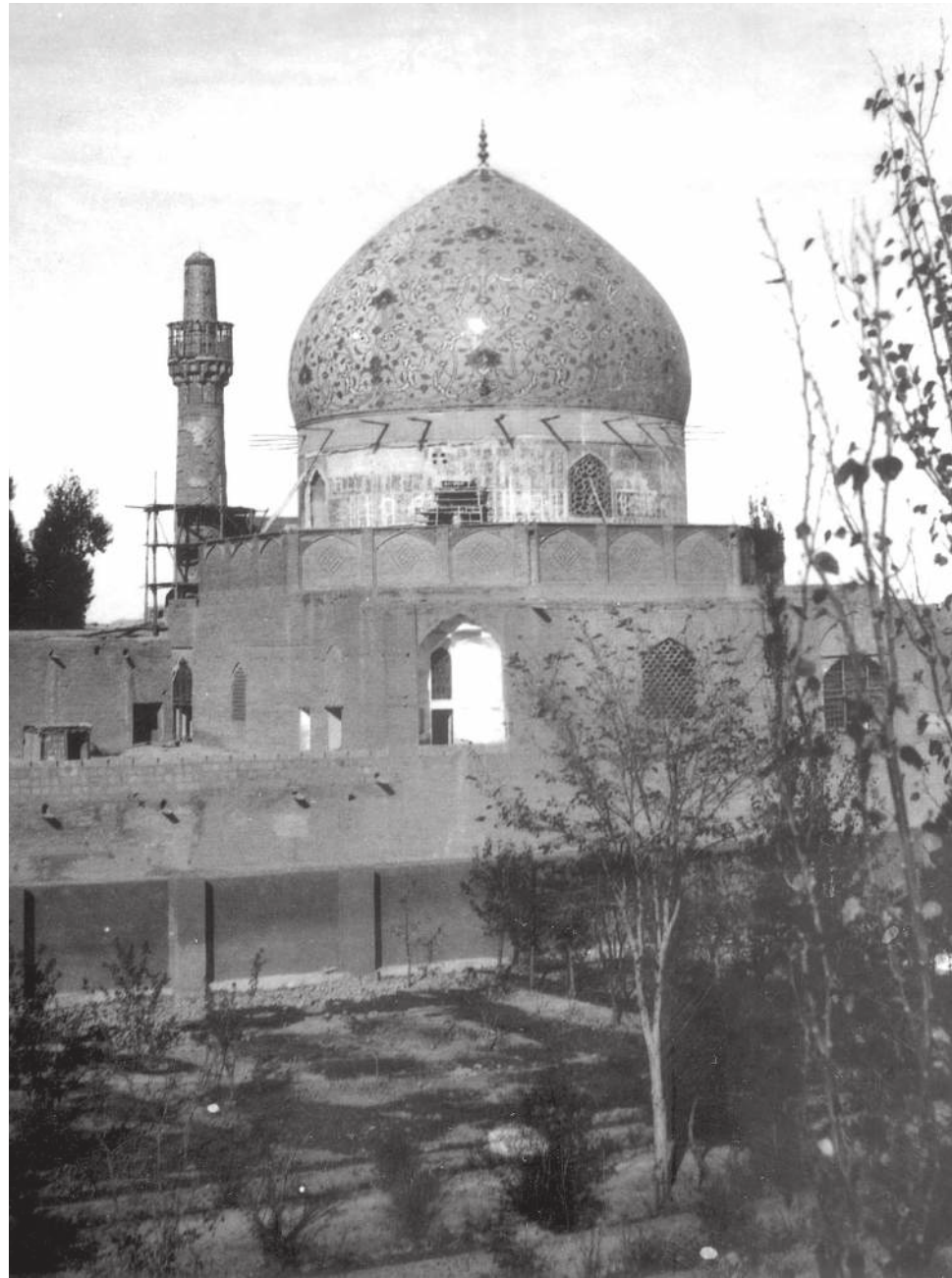
- مواظبت در این‌که معابر شهری موافق نقشه معینی باشد.
- وضع عوارض محلی به پیشنهاد انجمن بلدیه، و اجرای آن پس از تصویب وزارت داخله.

اداره شهر بر عهده انجمن بلدیه و کلانتر شهر است که انجمن انتخاب می‌کند و حدود اختیار حاکم مراقبت از اجرای قانون است. شرط لازم برای انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان عضویت در انجمن، داشتن مالکیت یا اشتغال به تجارت و پرداخت مالیات است. به عبارت دیگر تجار متوسط به بالا و مالکان مستغلات متوسط به بالا، در صورت پرداخت مالیات می‌توانستند انتخاب کنند و یا انتخاب شوند و در همه حال طایفه نسوان، کارگران و پیشه‌وران شهری از هر دو محروم بودند. بر این اساس اکثریت افراد بالاتر از بیست سال از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در شورای شهر محروم بودند، و از اهالی شهر محسوب نمی‌شدند، اما تغییر در اداره شهر و نقشه آن ایجاد شد. اگرچه در سال ۱۳۰۹ شمسی قانون ۱۲۸۶ ملغا شد، اما اصول حاکم بر این قانون و بسیاری از موارد آن، استوار باقی ماند، آنچه مورد کشمکش دائمی بود و هست.

- انتخاب کلانتر یا شهردار از سوی انجمن بلدیه (شهر) یا وزارت داخله (وزارت کشور).

- تهیه و تصویب نقشه شهر به دستور و تصویب انجمن شهر، یا دولت.

با انعکاس اجرای این قوانین در روزنامه اخگر که از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۲۱ در شهر اصفهان منتشر می‌شد و مدیر مسؤول آن خود در یک دوره طولانی عضو انجمن شهر بوده است، چگونگی اعمال این قوانین و تغییر در اداره و نقشه شهر قابل پیگیری است و از این طریق مقایسه نحوه تصمیم‌گیری با گذشته و مقایسه تغییرات به عمل آمده در نقشه شهر با نقشه تهیه شده در سال ۱۳۰۲، در مجموع می‌توان تصویر روشنی



خیابان چهارباغ در اواخر دوره قاجار

با کسی باده در ایام مکن / مرو و سیر چارباغ مکن
 ور روی زیریل سراغ مکن / جگر ما چولاله داغ مکن
 زیریل منزلی خطرناک است / مسکن لوطیان بی‌باک است
 شکی نیست اداره شهر و به‌ویژه مدیریت چهارباغ در این دوره نمی‌توانسته است همانند دوران صفوی باشد، اما بنیان تصمیم‌گیری در هر دو یکسان است. بحث ما از تحول در اداره و نقشه شهر آغاز می‌شود، تحولی که با انقلاب مشروطیت شروع می‌شود، در کشوری با نه میلیون نفر جمعیت که فقط سه شهر تهران، تبریز و اصفهان جمعیتی بالای صد هزار نفر دارند.



ورودی باغ و محله فتح‌آباد (خیابان آمادگاه امروز)، اواخر دوره قاجار

از تحولات به دست آورد. براساس همین نقشه مساحت شهر اصفهان در حدود ۲۰۰۰ هکتار است.

- بلدیۀ مغازه‌های دروازه دولت (شروع چهارباغ) را از سردار اعظم خریداری کرده است تا آنها را به خیابان ضمیمه کند. (خگر شماره ۲۵، ۹ آذر ۱۳۰۷)

- رضاشاه ۱۵ آذر در ساعت ۴ بعدازظهر از جنوب به هزارجریب وارد شد و به چادرهای حاکم و رؤسای دولتی، علما، تجار، ارامنه، کلیمیان سرزد، در روی پل چهارباغ شاگردان مدارس برای او ابراز خوشحالی کردند، آرزوی ما ... افزایش بودجه بلدیۀ است. (خگر، شماره ۲۵، ۱۵ آذر ۱۳۰۷).

- بلدیۀ اصفهان نقشه‌ای برای ساختمان شهر و اصلاح خیابان‌های آن به وزارت داخله ارسال کرده است. (شماره ۱۱۱، ۴ اردیبهشت ۱۳۰۸)

- جلسه‌ای با حضور شورای بلدیۀ، حکمران و رئیس نظیمه تشکیل شد، در جلسه مذکور گفت‌وگو شد که وسط چهارباغ برای عبور و مرور پیاده و دو طرف آن برای رفت و آمد وسایل نقلیه باشد. (شماره ۲۶۳، ۵ دی ۱۳۰۸)

- بلدیۀ در نظر دارد پیاده‌روهای جنبین چهارباغ را برای عبور وسایل نقلیه توسعه دهد و خیابان وسط را که تاکنون مخصوص وسایل نقلیه بود، به پیاده‌روها اختصاص دهد. پس چند روز است به قطع اشجار و توسعه پیاده‌روی یک طرف خیابان اقدام نموده است. (شماره ۳۰۵، اسفند ۱۳۰۸)

- اصلاحات بلدی: از زمانی که بلدیۀ به دست سرهنگ شهردار افتاده است^۱ می‌توان امید داشت که اصلاحات شهری آغاز شده است. مقابل دروازه دولت باغچه‌بندی شده است و خیابان دنبال جوی شاه [شیخ بهایی] نیز در حال انجام است. (شماره ۳۱۸، ۱۳۰۹).

- در سایه جدیت حاکم شهر، در چهارباغ دو خیابان رفت و آمد وسایل نقلیه در دو طرف درست شده است. (شماره ۳۲۴، ۲۱ فروردین ۱۳۰۹)

- نقشه خیابان‌های شهر که آقای مهندس انصاری، مهندس وزارت داخله تهیه کرده بود، پس از تصویب کمیسیون بلدیۀ به وزارت داخله ارسال شد. به همین خاطر فعلاً تخریب خیابان‌ها متوقف شده است. (شماره ۳۴۲، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۰۹).

- اسامی خیابان‌های جدید: بر حسب تصویب مقامات مربوط، خیابان بین پل مارنان و سی‌وسه پل به نام خیابان پهلوی و

۱. در اردیبهشت ۱۳۰۹ قانون جدید بلدیۀ تصویب و قانون ۱۲۸۶ ملغاً شد، براین اساس فرایند بررسی و تصویب طرح‌های توسعه و انتخاب شهردار نیز تغییر کرد.

چهارباغ بالا] آغاز شده است.^۲ (شماره ۴۶۳، ۲۹ آبان ۱۳۰۹).

- در پیاده‌روهای چهارباغ غرس درخت شروع شده است. (شماره ۵۱۹، ۶ اسفند ۱۳۰۹).

- ساخت خیابان‌های کمال اسماعیل، شاهپور و پهلوی شروع شده است.

- شن‌ریزی خیابان سپه شروع شده و اینک به خیابان چهارباغ رسیده‌اند، بلدیہ قرار است خیابان سپه را مستقیماً تا میدان نقش جهان امتداد دهد. (شماره ۶۵۷، ۱۵ مهر ۱۳۱۰).

- بلدیہ در حال خراب کردن خیابان نظر^۳ و اتصال دادن آن به خیابان هزارجریب [چهارباغ جنوبی] است. (شماره ۷۳۴، ۲۳ فروردین ۱۳۱۱).

- ساختمان‌های بلدی در سال جاری: امتداد خیابان چهارباغ به سمت شمال [چهارباغ پایین]. (شماره ۷۳۹، ۸ خرداد ۱۳۱۱).

- در انجمن بلدی تصویب شد که سطح خیابان‌ها سنگفرش شود و این کار از خیابان چهارباغ آغاز خواهد شد. (شماره ۸۰۹، ۸ دی ۱۳۱۱)

- ریاست بلدیہ به سرویس ساختمان دستور داده است که خیابان نظر را به پل خواجه امتداد دهد، به طوری که از جلو کارخانه وطن رد شود (شماره ۹۰۲، ۲ آذر ۱۳۱۲).

- قسمت آخر خیابان سپه تا میدان شاه به میدان متصل شد، (شماره ۸۷۴، ۱۳ شهریورماه ۱۳۱۲)

- از طرف بلدیہ به صاحبان املاکی که در پهن کردن خیابان خوش [شاه قبلی، طالقانی امروز] خسارت دیده بودند، خسارت پرداخت شد. (شماره ۸۷۲، ۹ شهریورماه ۱۳۱۲).

- پروگرام شش ساله بلدیہ اصفهان: نقشه اصلاحات اصفهان تصویب شد. (شماره ۸۴۴، ۲۸/۰۲/۱۳۱۲).

- ساخت ادامه خیابان هزارجریب تا سی‌وسه پل [چهارباغ بالا] خاتمه یافت (شماره ۸۳۵، ۲۷ فروردین ۱۳۱۲).

تا سال ۱۳۱۲ با اتمام تعریض خیابان خوش (شاه قبلی، طالقانی امروز) خیابان چهارباغ به دروازه تهران متصل می‌شود، همچنین با تعریض خیابان جوب‌شاه (شیخ‌بهایی امروز) و اتصال آن به چهارباغ این خیابان به مسیر نجف‌آباد - خرم‌آباد متصل می‌شود. اتصال مستقیم چهارباغ به میدان

۲. با ایجاد خیابان‌های پهلوی، کمال اسماعیل و امتداد هزارجریب، چهارباغ به دروازه‌های خروجی شهر متصل می‌شود.

۳. خیابان نظر در این زمان تا میدان جلفا نرسیده به تقاطع توحید بود و بعد از آن با راه باریکی به کنار رودخانه وصل می‌شد.



خیابان بین پل سی‌وسه پل و پل خواجه به نام خیابان کمال اسماعیل خوانده می‌شود.^۱ (شماره ۴۵۷، آبان ماه ۱۳۰۹).

- جلسه انجمن بلدی تشکیل شد: به مخارج و مصارف بلدیہ رسیدگی گردیده، برای اخذ عوارض قپان، قرار شد بار اتومبیل از روی بارنامه باشد و بار شترها و الاغ‌ها وزن شود و مطابق تصمیم انجمن بلدی عوارض اخذ گردد. (شماره ۴۵۸، ۲۱ آبان ۱۳۰۹).

- بنابر پیشنهاد کفیل بلدیہ، قرار شد درب‌های دروازه‌های شهری که در بلدیہ موجود است، به مزایده گذاشته شود. (شماره ۴۶۱، ۲۶ آبان ۱۳۰۹).

- تسطیح خیابان کمال اسماعیل به نزدیکی پل خواجه رسیده است. در صورتی که شن‌ریزی شود، مسیر کامیون‌های یزد و کرمان خواهد شد. از چندی قبل شن‌ریزی خیابان هزارجریب

۱. هردو خیابان ساحل شمالی زاینده‌رود و عمود بر چهارباغ بودند، در مجموع تقاطعی را ایجاد کردند که میدان ۲۴ اسفند، مجسمه و انقلاب نامیده شد.

عمارت جهان‌نما روی محور چهارباغ عباسی در محل دروازه دولت فعلی



خیابان چهارباغ عباسی،
اوایل دوره پهلوی،
قبل از احداث خیابان آمادگاه

«پس از تشکیل چندین جلسه با حضور حکمران، اعضای شورای بلدی و مهندسين اعزامی وزارت داخله بالاخره نقشه شهر کشیده و به اطلاع عمومی می‌رسد». (شماره ۳۴۶ اخگر، ۱۳۰۹/۰۲/۳۱)

مقایسه اصلاحات و تغییرات به عمل آمده در نقشه شهر با محوریت چهارباغ تا سال ۱۳۱۶ با نقشه‌ای که سیدرضاخان افسر شهربانی در سال ۱۳۰۲ تهیه کرده است، نشان می‌دهد که در طول پانزده سال، چهارباغ به خیابان اصلی شهر اصفهان تبدیل می‌شود، به نحوی که بیشترین هم‌پیوندی را با فضاهای شهری اصفهان دارد. بافت قدیمی اصفهان را از دروازه دولت تا درب‌کوشک، باغ همایون (ورزشگاه تختی)، پشت‌بارو و درنهایت قبرستان آب‌بخشگان از سمت شمال

نقش جهان از طریق خیابان سپه دسترسی^۱ چهارباغ را به مجموعه پیرامونی میدان نقش جهان و همچنین خیابان حافظ فراهم می‌کند، مهمترین اتفاقی که پس از این روی می‌دهد و همبستگی فضایی چهارباغ را با تمامی شهر اصفهان در آن تاریخ و تا امروز فراهم می‌سازد، امتداد خیابان چهارباغ به سمت شمال و تا میدان آب‌بخشگان (بهداشت دیروز، شهدای امروز) است:

«بعد از انتقال بانک ملی از دروازه دولت به میدان نقش جهان، مالکین اقدام به خرابی قسمت اول خیابان جدید که متصل به چهارباغ می‌شود، کردند و در این دو روزه این دو قسمت به هم متصل شد. فعلاً چهارباغ به شکل مستقیم تا خارج شهر از سمت شمال امتداد یافته است و بلدی مشغول تسطیح قسمت اخیر است (اخگر، شماره ۱۰۹۴۵، ۱۰ آذر ۱۳۱۴)».

و در تداوم اقدامات قبلی: «از طرف شهرداری به مالکین طرفین خیابان هزارجریب [چهارباغ بالا] از ابتدای سی‌وسه پل تا محل اتصال به خیابان دور شهر^۲ اخطار شده است که چون بلدی در نظر دارد خیابان چهارباغ را تا محل اتصال به خیابان هزارجریب به عرض فعلی وسعت دهد، پیش‌آمدگی‌هایی که از سوی مالکین در خیابان شده است، باید اصلاح شده و نماها نیز درست شود» (اخگر شماره ۱۱۴۱، ۴ خرداد ۱۳۱۵).

با اعمال قوانین بلدی ۱۲۸۶ و ۱۳۰۹، همچنین قانون تعریض معابر ۱۳۱۲ تحت اداره انجمن بلدی و کلانتر، در درجه اول چهارباغ و پیامد آن نقشه شهر اصفهان تغییر جدی پیدا می‌کند. مضاف بر آنکه اداره شهر به عهده نهادی غیردولتی به نام بلدی (شهرداری) و انجمن بلدی است. اگرچه با تغییر قانون در سال ۱۳۰۹ شهردار منتصب و نه منتخب انجمن بلدی است، اما انتخاب اعضای انجمن بلدی در همه حال انتخابی و ترکیب اعضا در دوره پهلوی اول نشان می‌دهد سلطه انجمن با تجار شهر است^۳، و در تغییر نقشه شهر تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مشترک بین انجمن بلدی که نهادی مدنی است و خود را ملزم به اطلاع‌رسانی (اولین گام در مشارکت مردم) می‌داند و دولت است.

۱. در همه موارد منظور از دسترسی، دسترسی سواره و تسهیل در حرکت است.

۲. در آن تاریخ خیابان جنوبی شهر از فلکه فرح‌آباد (ارتش) تا مقابل سیلو با عرض کمی کشیده شده بود، اما تا اوایل دهه ۴۰ خاکی بود.

۳. تاجرانی همچون حیدرعلی امامی، محمدحسن دایی‌جوادی، زین‌العابدین امین، دهنده‌شتی، کسائی‌ان.

طی می‌کند. اگرچه چهارباغ در دولت صفوی نیز تا هزارگریب امتداد داشت، اما تغییر کاربری در دو سمت چهارباغ جنوبی (کارخانجات نساجی) و اصلاح معبر، امتداد خیابان نظر عمود بر چهارباغ و تداوم آن تا میدان فیض، سبب می‌شود چهارباغ در سمت جنوبی رودخانه نیز از موقعیت ویژه در همبستگی با کاربری‌های بزرگ‌مقیاس، محلات و محوطه‌های تاریخی همچون تخت فولاد برخوردار شود.

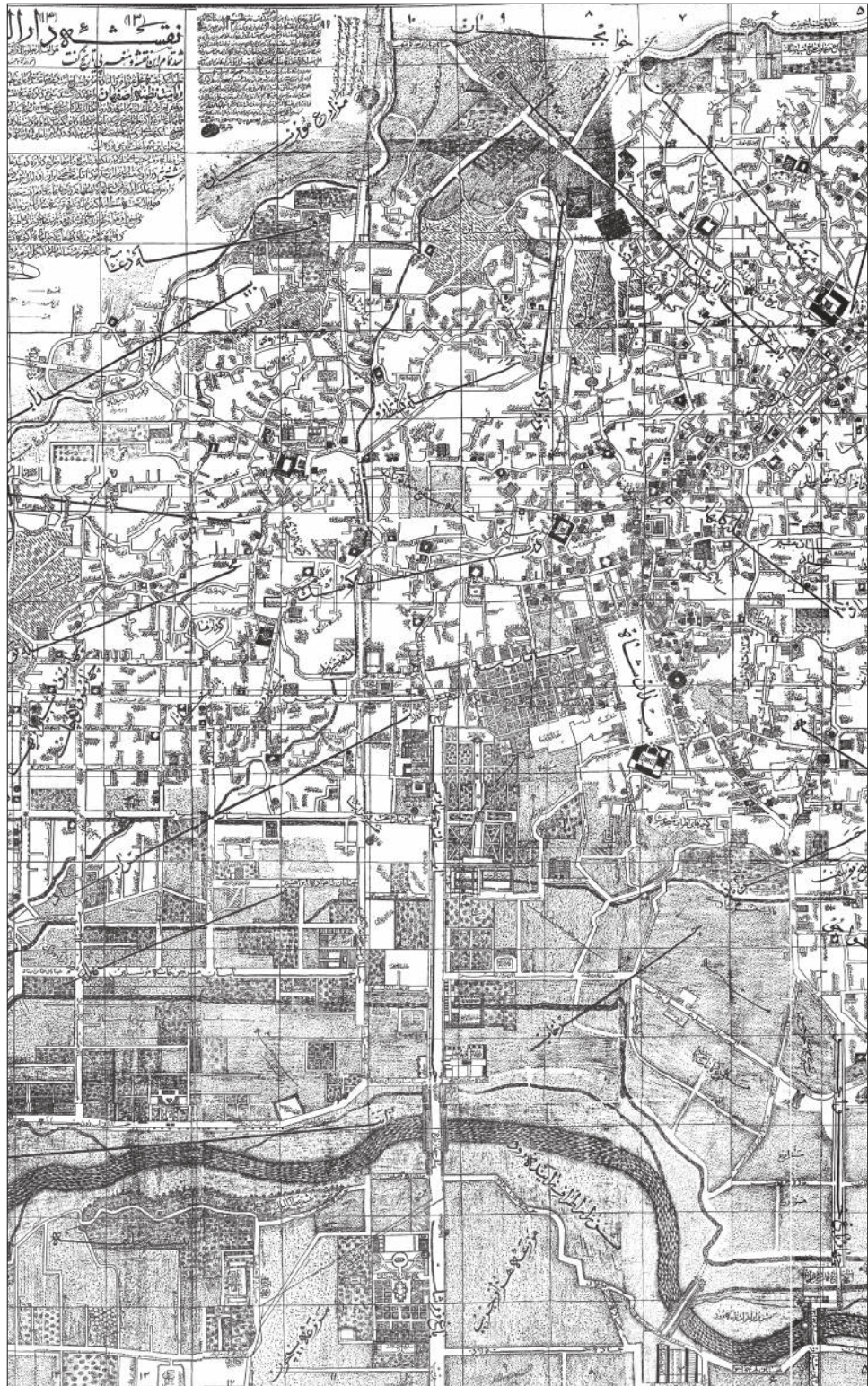
تغییر در ساختار شهر

مراد از ساختار در اینجا عناصر اصلی شهر و روابط بین آنهاست، در قسمت پیشین توضیح داده شد که چهارباغ تا قبل از سال ۱۳۲۰ از بیشترین هم‌پیوندی با فضای شهری اصفهان برخوردار شد، نکته قابل توجه تغییر کاربری‌های بزرگ‌مقیاس در دو سمت چهارباغ، به‌ویژه سمت جنوبی آن در این دوران است.

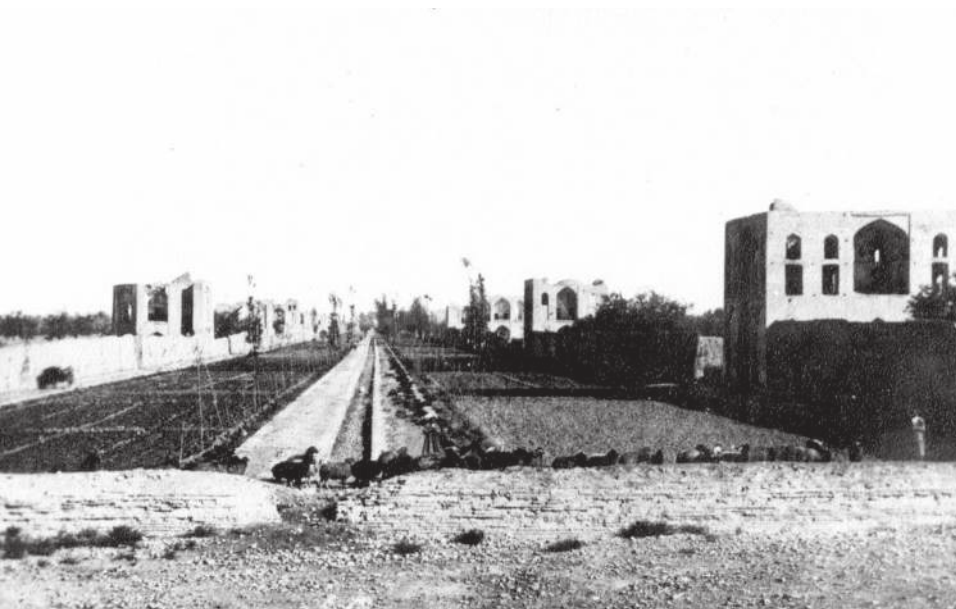
چهارباغ بالا (جنوبی)

سرمایه‌داری تجاری اصفهان با شرایط مثبت دوران مشروطیت و پس‌زمینه کارگاه‌های نساجی شهر اصفهان و شناخت از بازارهای داخلی و خارجی، به سمت سرمایه‌گذاری در صنعت رفت و تلاش کرد از تولید تا توزیع فرآورده‌های نساجی را سازماندهی کند. از سوی دیگر مشارکت در اداره شهر با به دست‌گیری رهبری انجمن بلدیه، تعاملات بسیار مثبتی که با پهلوی اول داشتند، به‌ویژه حمایت گسترده‌ای که از محصولات نساجی کارخانه‌های اصفهان می‌شد - از جمله به دستور دولت پارچه لباس ارتش، مدارس و کارمندان دولت از پارچه‌های تولید کارخانه وطن اصفهان تهیه می‌شد - سبب شد از سال ۱۳۰۲ تا سال ۱۳۲۹ بزرگترین پهنه صنعتی اصفهان مرکب از شش کارخانه ریسباف، صنایع پشم، زاینده‌رود، وطن، شهرضای جدید و شهناز در چهارباغ جنوبی ایجاد شود.

پهنه صنعتی چهارباغ در طول دوره حکومت پهلوی اول به‌ویژه با اجرای قانون انحصار تجارت خارجی رو به توسعه بود، و تا قبل از تأسیس کارخانه ذوب‌آهن اصفهان (۱۳۴۶)، قریب به چهل سال بزرگترین پهنه صنعتی شهر و استان به لحاظ نیروی کار، مساحت و ارزش افزوده محسوب می‌شد، در دوره پهلوی دوم تا حدودی شرایط زوال این پهنه فراهم شد، از یک‌سو با انتقال کارخانه وطن به خارج از محدوده قانونی، و رشکستگی کارخانه ریسباف، کج‌رفتاری دستگاه پهلوی دوم



بخشی از نقشه سیدرضاخان از اول عصر پهلوی که محوریت چهارباغ عباسی را در شهر به‌خوبی نشان می‌دهد.



منظره قدیمی خیابان چهارباغ بالا و عمارات طرفین آن از پل الله‌وردی خان تا باغ عباس آباد



چهارباغ بالا، مقابل باغ زرشک آخرین سال‌های احمدشاه قاجار

با مرحوم همدانیان صاحب کارخانه شهناز، از سوی دیگر عدم حمایت پیشین از محصولات وطنی این کارخانه‌ها، و افزایش قیمت زمین شهری کارخانه‌ها، از سال ۱۳۶۰ به بعد سبب اضمحلال این پهنه صنعتی را فراهم کرد.

پهنه صنعتی چهارباغ با ایجاد درمانگاه تأمین اجتماعی، مهدکودک کارگران، باشگاه کارگران، بیمارستان کارگران (هزار تختخوابی یا شریعتی)، و... در لبه خیابان چهارباغ تکمیل شد. تغییر کاربری گسترده این پهنه از باغ‌ها و مزارع به کارخانه‌ها و خدمات اجتماعی و رفاهی کارگران ضمن تغییر ساختار جدی شهر و چهارباغ گروه‌های اجتماعی ویژه و ساختار اجتماعی متفاوتی را نیز ایجاد کرد.

چهارباغ عباسی (میانی)

چهارباغ عباسی یا میانی از دروازه دولت تا سی‌وسه پل حدوداً تا عمق یک بلوک شهری در این دوره دستخوش تغییرات جدی به سمت ایجاد یک پهنه کاربری مختلط شهری شد. این تغییرات نخست از دروازه دولت، جهت شمالی چهارباغ میانی شروع شد و به تدریج به سمت سی‌وسه پل امتداد یافت، به نحوی که مهمترین فضای شهر و عرصه عمومی شهر اصفهان در طول تقریباً ۱۲۰۰ متر ایجاد شد.

بررسی تنوع کاربری‌ها و طبقه‌بندی آن در چهارباغ عباسی در این دوره از یک‌سو نشان از گروه‌های اجتماعی، ساختار اجتماعی جمعیت بهره‌بردار و زندگی روزانه آنان دارد و از سوی دیگر بازتاب تحولات اجتماعی و سیاسی در این زمانه است:

■ **احزاب و تشکل‌ها:** تقریباً اکثر قریب به اتفاق احزابی که در این دوره فعالیت می‌کردند، در چهارباغ دفتر تشکیل دادند. از حزب توده ایران، حزب اراده ملی، حزب وطن، حزب کشاورزان، حزب ایران و سایر احزاب تشکیل‌دهنده جبهه ملی گرفته در سمت غربی خیابان تا حزب ایران نوین در سمت شرقی، نزدیک به میدان انقلاب فعالیت داشتند. بدیهی است فعالیت احزاب همزمان نبود و فعالیتشان بازتابی از شرایط سیاسی در سطح ملی داشت؛ اتحادیه‌های کارگری در دروازه دولت تا محل تجمع لژ فراماسونری در هتل ایران تور در ابتدای خیابان عباس‌آباد، اولی پرچوش و خروش و دومی در آرامش کامل و بی‌سر و صدا جمعیت مخاطب خود را جذب می‌کردند.

■ **دفاتر روزنامه‌ها و کتابفروشی‌ها:** اگرچه اصفهان در این دوره بازارچه کتاب نداشت، اما مهمترین کتابفروشی‌های شهر



هتل جهان با معماری عصرپهلوی در میانه ضلع غربی چهارباغ عباسی

منبت‌کارها، خاتم‌کاری‌ها، و گالری دو نقاش چیره‌دست ارمنی (شمباط و بیرواند) و عکاسخانه‌ها از جمله مهمترین آنها عکاسخانه هالیود، در مجموع، نگین کاربری‌های چهارباغ بودند.

■ **نمایندگی فروش شرکت‌ها:** از جمله مهمترین شرکت اروپایی که در چهارباغ نمایندگی داشت، «سینگر» بود. چرخ خیاطی سینگر در ابتدای دروازه دولت، همراه با مکان آموزش خیاطی، مخاطب گسترده‌ای در شهر داشت، به‌ویژه آنکه بیشترین مخاطبش را زنان تشکیل می‌دادند. پس از آن دوچرخه‌لاری، با توجه به شدت استفاده نیروی کار و بخشی از طبقه متوسط از دوچرخه، این نمایندگی مهم محسوب می‌شد. نمایندگی فروش کفش ملی، البسه تولیدی انبوه با مخاطب طبقه میانی، همچنین منسوجات کارخانه‌های بافندگی در اصفهان مانند کارخانه تاج در لبه چهارباغ جاذب جمعیت بودند.

■ به این مجموعه، نمایندگی فروش کالاهای بادوام همچون رادیو، تلویزیون را نیز باید افزود.

■ **رستوران‌ها و هتل‌ها:** مهمترین هتلی که در بلوک شهری

با تنوع مخاطب در چهارباغ ویتترین داشتند. این مجموعه را کیوسک‌های روزنامه‌فروشی و دستفروشان کتاب تکمیل می‌کردند.

■ **سینما و تماشاخانه:** دو تماشاخانه معروف شهر، سپاهان و اصفهان و در حدود ۱۲ سینما از مجموع ۱۵ سینمای شهر به علاوه سالن‌های تابستانی سینما، در چهارباغ فعالیت داشتند.

■ **کافه-قنادی، قهوه‌خانه و بستنی‌فروشی:** در چهارباغ نوشگاه وجود نداشت، اما کافه-قنادی و قهوه‌خانه بود. اولی مناسب حال طبقه متوسط جدید و دومی مورد توجه بازاریان و نیروی کار خدماتی قرار می‌گرفت. با توجه به قلت این کاربری‌ها در شهر اصفهان این کاربری در چهارباغ بسیار فراوان بود. از جمله مهمترین کافه-قنادی به واسطه نشست روشنفکران دست‌به‌قلم پس از کودتای ۲۸ مرداد، کافه-قنادی پولونیا بود، که در نوع خود پاتوق محسوب می‌شد، این مجموعه را بستنی‌فروشی‌های منحصر به فرد چهارباغ از جمله: «چمنزار، لاله‌زار و عباس آبدار و ماه» تکمیل می‌کرد.

■ **گالری‌های هنر و صنایع دستی:** مشهورترین نقره‌کارها،



استودیوی عکاسی میناس مکریتیچ پات‌کرها‌نیان در خیابان چهارباغ عباسی



امان الله طریقی در مقابل استودیوی عکاسی اش

تعریف‌کننده لبه چهارباغ عباسی ساخته شد، مهمانسرای عباسی همراه با آپارتمان سلطنتی بود، که محل اقامت پهلوی دوم و خانواده‌اش در سفر به اصفهان بود. تنوع هتل‌های لبه چهارباغ و پخشایش آن به نحوی بود که در تمام طول چهارباغ برای گردشگر و طیف متنوع آن دسترس‌پذیر بود. از جمله هتل ایران‌تور که قبلاً ذکر آن رفت. چنانکه گفته شد در چهارباغ نوشگاه به‌طور مستقل وجود نداشت و فقط در هتل‌ها سرو می‌شد، اما سه یا چهار باده‌فروشی در طول خیابان بود که ویتزینی متمایز از دیگران داشتند. رستوران‌ها اعم از مهمترین چلوکبابی‌ها (سلطانی، شهرزاد) تا اولین ساندویچ‌فروشی (اسدالله) و پس از آن انبوهی از اغذیه‌فروشی‌ها، مکانی برای درنگ در چهارباغ ایجاد کرده بودند.

■ **دفاتر شرکت‌های مسافری:** اواخر دهه چهل شرکت‌های مسافری زمینی، دفتر فروش همراه با گاراژ مسافری در جوار یکدیگر در چهارباغ فعالیت می‌کردند، مانند میهن‌نورد و تی‌بی‌تی، میهن‌تور، ایران‌پیما و اتوعدل، پس از آن گاراژها منتقل شدند، اما دفاتر فروش همچنان فعالیت می‌کردند، دفاتر شرکت‌های مسافری هواپیمایی به طبع نوع مخاطب مجلل‌تر بودند.

■ **میوه‌فروشی و قنادی.**

■ **تعمیرات وسایل الکترونیکی همچون رادیو، تلویزیون، ضبط صوت و...**

■ **مطب پزشکان، دفتر وکلا و محضر ثبت اسناد رسمی.**

به این مجموع دو بنای شهرداری و بیمه‌های اجتماعی که در کنار مجموعه به یادماندنی مدرسه چهارباغ از جمله بناهای شاخص محسوب می‌شدند، قابل ذکر است.

■ **سکونت:** در بلوک شهری تعریف‌کننده چهارباغ عباسی، مسلمانان، یهودی‌ها و تاحدود کمی مسیحی‌ها زندگی می‌کردند، عبور دو مادی (نهر) فرشادی و نیاصر از این بلوک، شرایط مناسبی برای سکونت فراهم کرده بود؛ به نحوی که برخی از خانواده‌های تاجران و سرمایه‌داران صنعتی مانند کازرونی و همطرازان اینان در خیابان‌های منتهی به چهارباغ بلوک خاصی را به خود اختصاص داده بودند.

پهنه مختلط چهارباغ از تعادلی یگانه بین کاربری سکونت تا تنوعی از کاربری‌های خدماتی و جاذب جمعیت برخوردار بود، این تعادل بین جمعیت ساکن و جمعیت بهره‌بردار به نحوی بود که اولاً مانع از تخلیه جمعیت ساکن می‌شد و ثانیاً به دلیل حضور جمعیت در تمامی شبانه‌روز باعث ایجاد امنیت می‌شد.



تصویر هوایی از چهارباغ بالا

چهارباغ پایین (شمالی)

چهارباغ پایین از دل محلات مسکونی قدیمی اصفهان عبور کرد تا به منتهی‌الیه شمالی اصفهان رسید، بر این اساس بجز یک استثنا (ورزشگاه باغ همایون یا باغ تختی امروزی) پهنه کامل سکونت محسوب می‌شد. سکونت اصفهانی‌هایی که چندین نسل در محلات در پشت بارو، سینه پایینی و... زندگی می‌کردند.

رابطه بین سه پهنه صنعتی، مختلط و سکونتی چهارباغ از طریق خیابان چهارباغ با تنوعی از وسایل نقلیه دوچرخه، موتورسیکلت، خودروهای شخصی و عمومی و پیاده برقرار می‌شد. مقطع عرضی خیابان چهارباغ به واسطه نقش‌های متنوع خیابان به طریقی سازمان یافته بود که سه مسیر پیاده، دو گذر دوچرخه و موتورسیکلت، دو گذر سواره و چهار ردیف باغچه آن را سامان داده بود، نقش نیروی کار و جابه‌جایی آن با وسیله نقلیه دوچرخه برای همیشه نشان خود را بر تن چهارباغ گذاشت.

کار و فعالیت

زمانمندی کار با سه نوبت بوق کارخانه‌های نساجی در شش صبح، دو بعدازظهر و ده شب در سراسر شهر اصفهان تنظیم می‌شد. هر نوبت بوق اعلام شیفت جدید کار و پایان نوبت قبلی بود. پیامد آن صفی از کارگران با پای پیاده، یا با دوچرخه و سرویس‌های کارخانه از طول چهارباغ، سی‌وسه پل، پل چوبی و پل خواجه‌گدر می‌کردند، تا به محل کار خود و یا محل سکونت خود برسند. پهنه صنعتی چهارباغ نظم کار در همه شهر را تنظیم می‌کرد.

چهارباغ جنوبی (بالا)

فعالیت در چهارباغ جنوبی حول محور کارخانجات نساجی می‌چرخید: از پنبه‌پاک‌کنی، حلاجی، ریسندگی، بافندگی تا طاق زدن پارچه‌های چیت، چلوار، فاستونی و... از سوی دیگر عملیات اداره کارخانه‌ها نیاز به فعالیت‌های امور اداری، مالی و سایر امور مدیریتی داشت که در هر کارخانه بناهای



آنچه از کارخانه شهناز (بافت ناز) باقی مانده است.



کارخانه ریسباف که قرار است به موزه اصفهان تبدیل شود.



مجللی به این مهم اختصاص یافته بود. در سالهای اخیر دفتر سابق مدیریت کارخانه صنایع پشم به ساختمان شورای شهر اصفهان و پس از آن یکی از معاونت‌های شهرداری اختصاص یافته است.

جمعیت نیروی کار در سالهای فعالیت هر پنج کارخانه، در حدود ده هزار نفر برآورد می‌شد (در دهه سی تا چهل) که در سه شیفت کاری زن، مرد و کودک^۱ به کار مشغول بودند، مناسبات نیروی کار، کارفرما و دولت در سه دوره کاملاً متمایز قابل طبقه‌بندی است:

۱- حکومت پهلوی اول ۱۳۲۰-۱۳۰۴: با افزایش سوددهی کارخانه‌ها، نیروی کار رو به افزایش نهاد، دولت با حمایت از کارفرما و تولید، جریان باثباتی را نظم بخشید، با تصویب اولین قانون کار ایران در سال ۱۳۱۵ کارگران با واژه «مزدوران» در قانون ذکر نام و دارای حقوق قانونی شدند. در این دوره چهار کارخانه وطن، زاینده‌رود، ریسباف و صنایع پشم، پهنه صنعتی چهارباغ را به وجود آوردند.

۲- حکومت پهلوی دوم ۱۳۲۲-۱۳۲۰: در این بازه زمانی که قابل تقسیم به دو دوره است؛ دوره اول با رونق ناشی از پایان جنگ جهانی دوم، تشکیل اتحادیه‌های کارگری افزایش حقوق کارگران و تصویب دومین قانون کار ایران همراه بود، اعتصابات گسترده کارگران، راهپیمایی در خیابان چهارباغ و طرح مطالباتشان به‌ویژه در فضای چهارباغ، انتخاب نماینده کارگران برای عضویت در مجلس شورای ملی و درنهایت مشارکت جدی در اداره شهر، احقاق حقوق، تبدیل نام از مزدور به کارگر، تشکیل کمیسیون سه‌جانبه کارگر، کارفرما و دولت از دستاوردهای این دوره است. دوره دوم با تأسیس کارخانه شهناز پهنه صنعتی چهارباغ به اوج گسترش خود می‌رسد؛ نابسامانی در امور تجارت خارجی، توقف تولید در برخی از کارخانه‌ها را به همراه دارد، سرکوب و تعطیل اتحادیه‌های کارگری، طرح مطالبات از جانب سرمایه‌داران و کارگران جدای از یکدیگر از جمله مسائل جاری است. عبور از چهارباغ به منظور تحصن در تلگرافخانه، استانداری و یا راهپیمایی در جهت طرح مطالبات کارگری نیز از امور جاری است. به‌عنوان مثال: «امروز قبل از ظهر... کارگران به هیأت اجتماع از خیابان چهارباغ و سپه عبور کرده و قصد ورود به استانداری را داشتند.» (روزنامه اصفهان، شماره ۷۴۴، ۱۹ فروردین ۱۳۳۰)

۱. اول، کار کودکان زیر ۱۲ سال و بعد زیر ۱۴ سال ممنوع شد.

عمومی همچون امور بیمه و درمان به فعالیت‌های خیابان چهارباغ جنوبی افزوده شد، در نتیجه پیامد آن حضور نیروی کار خدمات پزشکی، بیمه و... در این پهنه بود.

چهارباغ میانی

نوع فعالیت در چهارباغ میانی به طور کامل طیفی از فعالیت‌های خدماتی بود که در توزیع کاربری‌های این پهنه کاربری مختلط شهری به آن اشاره شد. بر این اساس نیروی کار نیز به طور عمده مغازه‌دار، پیشه‌ور و یا واحدهای کاری زیر ده نفر کارگر بود. آنچه از اهمیت برخوردار است کثرت این واحدهای کارگاهی در دو لبه خیابان چهارباغ عباسی بود.

چهارباغ شمالی (پایین)

واحدهای کارگاهی در چهارباغ شمالی تنوع و کثرت کمی داشتند؛ بجز یک یا دو مورد، مثلاً نمایندگی و تعمیرات کالاهای خانگی پلار یا ورزشگاه باغ همایون، در مجموع از کارگاههای زیر ۱۰ نفر تشکیل می‌شد، یا مغازه‌داران و پیشه‌وران که کارگاههای خویش فرما محسوب می‌شدند.

زندگی روزانه

هم‌پیوندی چهارباغ با تمامی فضای شهری اصفهان در دهه نخست قرن چهاردهم رو به افزایش نهاد و قبل از پایان دهه دوم به بالاترین هم‌پیوندی رسید و این موقعیت یگانه را تا پایان قرن نیز حفظ می‌کند. در بین سه پهنه چهارباغ جنوبی (بالا)، میانی (عباسی) و شمالی (چهارباغ پایین)، چهارباغ عباسی از ابتدای قرن رو به ایجاد پهنه کاربری مختلط تجاری، اداری، مسکونی و فرهنگی و تفریحی نهاد و با توجه به زمینه‌های گردشگاهی آن که از قبل نیز بی‌ریزی شده بود، به مهمترین فضای گشتگاهی اصفهان تبدیل شد. صادق هدایت از سفر خود به اصفهان درخصوص چهارباغ می‌نویسد: «خیابان چهارباغ خیابان پهن و بزرگی است که گردشگاه مهم شهر به شمار می‌آید و به پنج قسمت شده، به غیر از پیاده‌رو دو جانب خیابان، یک گردشگاه بزرگ میان آن واقع شده که از دو طرف آن ارابه و درشکه آمد و شد می‌کنند با چهار رج درخت‌های کهن چنار و چهار جوی آب که از میان آن روان است، به طوری که شبیه بهترین خیابان‌های برلن و پاریس است.» (هدایت، ۱۳۱۱).

همان‌طور که هدایت توصیف می‌کند، با ایجاد پهنه صنعتی



مثالی دیگر:

سینما نقش جهان (ایران) در اول

چهارباغ عباسی

«پس از اجتماع، کارگران تقاضای استرداد نعش کارگر را نمودند، آنها نعش را برداشته در پله‌های مجسمه در میدان (میدان انقلاب امروزی - انتهای چهارباغ) نهادند، سپس آن را به تلگرافخانه بردند.» (روزنامه اصفهان، شماره ۷۴۶، ۲۶ فروردین ۱۳۳۰).

۳- حکومت پهلوی دوم ۱۳۵۷-۱۳۳۲، در این دوره کارخانه‌های ریسباف، وطن و زاینده‌رود با چندین دور ورشکستگی روبه‌رو می‌شوند، اما در مقابل کارخانه‌های شهناز و صنایع پشم با موفقیت به کار خود ادامه می‌دهند. درنهایت بانک‌ها از جمله بانک ملی مالکیت کارخانه‌های ورشکسته را به دست می‌آورند. از طرف دیگر مناسبات کار و کارفرما با تعطیلی اتحادیه‌های کارگری و در چارچوب قانون کار و با هدایت سازمان کارگران اصفهان تنظیم می‌شد. در طول ۲۵ سال، کار و فعالیت حول محور نساجی در پهنه چهارباغ جنوبی می‌چرخید. مضاف بر آنکه در این دوره فعالیت‌های خدمات



چهارباغ عباسی در دهه ۸۰

بیهودی بودند، تحت‌الشعاع قرار می‌داد. دروازه‌دولت گویی مرکز جهان بود. روزنامه‌فروش‌ها بودند و شعب احزاب سیاسی و شعارهای پارچه‌ای، تا باغ کافه‌قنادی پولونیا، از دست راست چهارباغ می‌رفتیم. نقطه‌های چشمگیر در این مسیر نمایندگی چرخ خیاطی سینگر بود و نمایندگی گرامافون‌های هیزماستروئیس با تصویر سگی روی بلندگوهای شیبوری و یکی دو لوکس فروشی. کافه‌قنادی پولونیا چنانکه از اسمش بر می‌آمد، فضا و فرهنگی متفاوت داشت: ارمنی و اروپای شرقی. در باغ آن می‌شد شطرنج و تخته‌نرد بازی کرد و در جبهه شمالی آن پیست رقصی بود و جایگاه ارکستری به ارتفاع سه چارک، ... کافه‌قنادی پارک هم که حال و هوایی مشابه داشت چسبیده به همین کافه بود.» (میرعلایی-۱۳۷۱).

میرعلایی از گشت طفولیتش در چهارباغ می‌گوید و گذرش از دروازه‌دولت، از همین دست، م. ح خسروپناه در مصاحبه‌اش با یکی از کارگران که در آن زمان می‌زیسته است، از قول او می‌نویسد: «آموزش‌های سندیکایی و اجتماعی در دستور کار اتحادیه قرار گرفته بود. به این ترتیب که هر یک از روزهای هفته را به کارگران یک کارخانه اختصاص دادند؛ مثلاً شنبه به زاینده‌رود، یکشنبه به ریسباف، دوشنبه به وطن ... در روز مقرر کارگران آن کارخانه بعد از اتمام نوبت کار خود، دسته‌جمعی به

چهارباغ در چهارباغ بالا و سپس امتداد چهارباغ به سمت شمال از دل محلات مسکونی با سابقه در میان باروی آل‌بویه، سلجوقی و صفوی که تسهیل دسترسی را فراهم کرد، عملاً چهارباغ عباسی تبدیل به مهمترین عرصه عمومی شهر اصفهان شد و قلمروی شد که اصفهانی خود را، دیگری را و ایران و جهان را در آیینۀ آن می‌نگریست. از رفتن به تئاتر و سینما گرفته تا مراجعه به نمایندگی شرکت‌های جهانی (سینگر و...)، نشستن در کافه‌قنادی و قهوه‌خانه؛ از به استقبال هر دو پادشاه پهلوی رفتن تا مجسمه رضاشاه را به زیر آوردن؛ مطالبه نیروی کار و راهپیمایی گسترده، تا بستن اتحادیه‌های کارگری، فعالیت احزاب ملی و چپ تا به آتش کشیدن در و دروازه دفاترشان، این همه و بسیار بیشتر ... بود که اصفهانی در چهارباغ خود را در آیینۀ دیگری و جهان می‌دید و زندگی‌اش معنا پیدا می‌کرد، احمد میرعلایی می‌نویسد: «در طفولیت گاهی روزهای جمعه، طفیل پدر می‌شدم و همراه او از خانه بیرون می‌آمدم ... نیمه راه، دروازه‌دولت اتحادیه کارگران بود. بلندگویی بالای آن نصب بود. از اینجا سیاست شروع می‌شد و جاذبه بازی‌های سمت چپ خیابان شاه (طالقانی امروزی) را، که صاحبانشان عموماً



کودتای ۲۵ مرداد، در شب ۲۷ مرداد، مجسمه رضاشاه در میدان بیست و چهار اسفند (انقلاب امروزی) پایین کشیده می‌شود. به نظر می‌رسد چهارباغ خود را برای جشن جمهوری آماده می‌کند.

اما حسن کامشاد می‌نویسد: «روز ۲۸ مرداد من و شاهرخ مسکوب، بی خیال، چهارباغ را می‌پیمودیم. ناگهان قطاری از کامیون از دور پیدا شد. همه بلندگو داشتند و مرتب شعار می‌دادند و گروهی پسر بچه و سرباز و روستایی، پشت کامیون می‌رقصیدند و فریاد می‌کشیدند: «زنده باد شاه»، «مرده باد مصدق»، «مرگ بر توده‌ای خائن». انگار خواب می‌دیدیم. چند تن از پسران پولداراهای شهر در میان رقصندگان کامیون بودند. بهتمان زده بود. هنوز سر در نمی‌آوردیم چه می‌گذرد... کامیون در پی کامیون می‌آمد، همان شعارها را پخش می‌کرد و انبوهی مردم به دنبال آنها می‌دویدند و ما مات و متحیر، می‌خکوب ایستاده بودیم و تماشا می‌کردیم.» (حدیث نفس، جلد اول، ۱۳۸۷).

کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲، نفس زندگی روزانه در چهارباغ را قطع نکرد، اما از وحشت بند آورد؛ ولی نبض حیات آرام‌آرام به تپش خود ادامه داد. بخشی از جماعت پرسه‌زن روزانه از وحشت، مدت مدیدی در سایه ماندند و در پیاده‌روهای چهارباغ آفتابی نشدند، یا در شبستان نشستند تا راه خویش را بیابند. از این میان سرنوشت «جنگ اصفهان» سرنوشت روشنفکران اصفهانی است که زیر سقف دو کافه پولونیا، پارک و کتابفروشی تأیید دور هم نشستند و به کار تحقیق، نقد ادبی و... پرداختند. روایت عبدالحسین آذرنگ از نشست‌های جنگ، روایت دست اولی است: «پولونیا، کافه‌ای با حیاطی مصفا، یادگاری از لهستانی‌های

دفتر اتحادیه در خیابان چهارباغ می‌آمدند و در سالن اجتماعات می‌نشستند... درباره مسائل کارگری برای آنها سخنرانی می‌کردند و به کارگران آموزش سندیکایی می‌دادند.» (خسروپناه، سال ۱۳۸۴).

در فضای شهریور ۱۳۲۰ به بعد احزاب یک به یک دفاتر خود را در چهارباغ باز می‌کنند و به تبلیغ و ترویج مرام خود و سازماندهی هواداران‌شان می‌پردازند. احزاب رقیب هواداران‌شان را به گفت‌وگو و مقابله با هم می‌کشند، اگرچه گاه زد و خورد در کار است، اما این تجربه زندگی روزانه اصفهانی است در چهارباغ، از جهاتی که آن را نمی‌شناخته است. در اردیبهشت ۱۳۲۵ رئیس شهربانی اصفهان به استاندار استان دهم گزارش می‌دهد: «ساعت ۳ روز جمعه ۳۰ فروردین آقای تقی فداکار به اتفاق دکتر کیانوری و اکبر شهبانی که روز ۲۸ فروردین به اصفهان آمده با چند نفر دیگر و عده‌ای در حدود ۵۰ نفر از کارگران کارخانجات در محل سابق حزب توده واقع در چهارباغ اجتماع کردند.» (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۸۴/۲/۲۵). ۵ سال بعد حزب ایران در ضمیمه روزنامه یازدهم طی اعلامیه‌ای از بازگشایی دفتر خود در اصفهان خبر می‌دهد: «بدین وسیله ادامه فعالیت سازمان وابسته را در محل جدید حزب (اول خیابان چهارباغ، دروازه دولت) اعلام می‌نماید.» (روزنامه یازدهم، ۱۳۸۴/۸/۳۰).

این شور و هیجان غریب، طرح مطالبات اجتماعی و سیاسی در عرصه عمومی و پا کشیدن آن به حوزه سیاسی تا کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ در چهارباغ جاری است. عجیب آنکه هم شکست کودتا در ۲۵ مرداد در چهارباغ ردپا بر جا می‌گذارد و هم پیروزی کودتاچیان در ۲۸ مرداد. پس از فرار شاه و پیامد شکست



مهاجر در جنگ جهانی دوم بود. در خیابان چهارباغ عباسی، کل قرار و ملاقات‌ها و بسیاری از دیدارهای اصحاب جنگ با اهل ادب و هنر، پژوهشگران، استادان و میهمانانی بود که از تهران و شهرهای دیگر به اصفهان می‌آمدند. در آن سالها شماری از شاعران، نویسندگان، مترجمان، پژوهشگران، فیلمسازان و کارگردانان را نخستین بار در آن کافه و بر سر میز نجفی، حقوقی، گلشیری دیدم. پولونیا، تنها جایی در اصفهان آن زمان بود که عده‌ای می‌توانستند برای زمان محدودی دور هم جمع شوند، شیرینی ساده و چای صرف کنند و گپی بزنند. گمان می‌کنم انتخاب پولونیا و برگزاری برخی دیدارها در آن، علت عمده‌تری هم داشت و آن حساسیت دستگاه امنیتی آن روز به تجمع روشنفکران بود.» (جشن نامه ابوالحسن نجفی).

دوگانه زندگی قهرمانانه و زندگی روزمره درون زندگی روزانه، با پا پس کشیدن اولی، دومی عرصه بروز بیشتری می‌یابد. اگرچه از هم جدایی‌ناپذیرند. خرید و گشت در چهارباغ سرگرمی روزانه محسوب می‌شد، حرکت از دروازه‌دولت به سمت سی‌وسه پل از دست راست خیابان و بازگشت مجدد از سمتی دیگر پشت ویتترین‌های پارچه‌فروشی، لباس‌فروشی، طلافروشی، لوازم خانگی و... درنگ کردن، سپس از پی مغازه‌ای به مغازه‌ای دیگر، پاساژها را طی کردن، سفارش لباس و کفش، یا به تماشای تلویزیون ایستادن، کالایی که در اواسط دهه چهل اصفهانی‌ها به برکتش آشنا شدند، روزمرگی را به زندگی روزانه چهارباغ بیش از پیش وارد کرد. با این همه چهارباغ پاتوق بود، نمی‌توان روابط آن را صرفاً به روابط خرید و مصرف فروکاست، رضا مهیمن (کارگردان و مدرس سینما) می‌نویسد: «اواخر دهه چهل، پس از فارغ شدن از درس و مشق و دیپلم و کنکور، با یکی دو نفر از دوستان همدل و همراه، به وعده‌گاه همیشگی یعنی چهارباغ می‌آمدیم، تقریباً کار هر شب ما بود. از دروازه‌دولت تا مجسمه (میدان انقلاب) را چند بار می‌رفتیم و برمی‌گشتیم. از بدنه غربی چهارباغ شروع می‌کردیم و از بدنه شرقی برمی‌گشتیم. در این رفت و آمد، مثل ما زیاد بودند. چهره‌ها همه آشنا بود. اولین ایستگاهی که برای من، یادآور خاطره بود کوچه سپاهان و تئاترش بود. هشت یا نه سالم که بود برای اولین بار به تئاتر رفتیم و ارحام صدر را روی سن دیدم.» (مهیمن، ۱۳۹۳).

تئاتر در چهارباغ جزئی از زندگی روزانه بود. به‌ویژه تئاتر سپاهان که در آن کمدی - انتقادی با طرح مسائل اجتماعی

به لهجه اصفهانی با محوریت ارحام صدر، از کارگر تا سرمایه‌دار اصفهانی و غیر اصفهانی را به خود جذب می‌کرد. تئاتری که تماشاگر خود را داشت و گاه ماهها یک نمایش روی صحنه می‌ماند و حاشیه‌های آن در شهر نقل می‌شد. زاون قوکاسیان روایت می‌کند: «روزهای جمعه که فروشگاه پدرم تعطیل بود - فروشگاه‌های در میانه چهارباغ - به دیدن نمایشنامه‌های ارحام می‌رفتیم، نمایشنامه‌هایی که ما از ارحام در تماشخانه سپاهان دیدیم، بخشی از خاطره چشمه‌خانه ما، من، برادرم زاریک و مادرم از اصفهان است» (قوکاسیان، ۱۳۹۳).

سینما در چهارباغ حکایت غریبی بود. دسترسی تمامی مردم شهر با کمترین هزینه، پیاده یا با دوچرخه یا وسایل حمل و نقل عمومی، همه را برای عبور از دهلیز پر عکسی از هنرپیشگان سینما و ورود به سالن برای دیدن دنیایی دیگر به مکان نمایش می‌کشاند. به طوری که تجربه سینما با زیست در چهارباغ همراه می‌شود: «چهارباغ در نوجوانی تازه‌بالغ من جایی خاص دارد: میدان دروازه‌دولت، ساختمان شهرداری، تئاتر اصفهان و آقای فرهمند، سینما مایاک، سینما تاج و سالن تابستانی تماشای فیلم در زیر آسمان و ستارگان، سینما ایران؛ سینما همایون، آخرین نقطه این دنیای پرتب و تاب، رفت و آمدی مشکوک، راه پله‌ای کثیف که لابد به فضاهای ممنوع بالا می‌رود. سالن بیلیارد، میزهای پوشیده از ماهوت سبز، تق تقی پایان‌ناپذیر... (اخوت، ۱۳۹۳).

چهارباغ صحنه راهپیمایی هر روز بود. از شمال به جنوب و در مواردی حرکت از جنوب از جانب دانشگاه، پس از عبور از سی‌وسه پل به شمال ختم می‌شد. چهارباغ با همه شهر هم پیوند بود. هر کس نبض چهارباغ را در دست می‌گرفت، نبض شهر در دستش بود.

در پاییز ۱۳۵۷ بار دیگر مجسمه رضاشاه در میدان ۲۴ اسفند (انقلاب امروزی) فرو کشیده شد، چهارباغ صحنه راهپیمایی هر روز بود. از شمال به جنوب و در مواردی حرکت از جنوب از جانب دانشگاه، پس از عبور از سی‌وسه پل به شمال ختم می‌شد. چهارباغ با همه شهر هم‌پیوند بود. هر کس نبض چهارباغ را در دست می‌گرفت، نبض شهر در دستش بود. چهارباغ در سال ۱۳۵۷ چندین بار دست به دست شد تا سرانجام از دست دولت وقت خارج شد.

منابع

رجایی، عبدالمهدی. **اصفهان از نگاه اخگر** (دوره سه جلدی)، ۱۳۹۳

رجایی، عبدالمهدی. **تاریخ نساجی اصفهان**. در دوره قاجار و پهلوی، ۱۳۹۳

شفقی، سیروس. **جغرافیای اصفهان**، ۱۳۸۱

قوکاسیان، زاون. **زندگی در تماشاخانه‌های اصفهان**، ۱۳۹۳

اسکندریک منشی، **عالم‌آرای عباسی**

هدایت، صادق. **اصفهان، نصف جهان**

روزنامه اخگر سالهای ۱۳۰۷ تا ۱۳۲۱ (مندرج در اصفهان از نگاه اخگر)

روزنامه اصفهان، شماره ۷۴۴ و ۷۴۶؛ ۱۹ و ۲۶ فروردین ۱۳۳۰.

اخوت، محمدرحیم. «چهارباغ، قلب تپنده اصفهان» مندرج در **فصلنامه دریچه**، شماره ۳۵، تابستان ۱۳۹۳، ص ۳۵-۳۳.

میرعلایی، احمد: «مقدمه کتاب اصفهان»، انتشارات آگه، ۱۳۸۳

خسروپناه، محمدحسین: «سرگذشت گریزناپذیر اتحادیه‌های مستقل کارگران اصفهان»، **ماهنامه گفت‌وگو**، شماره ۴۳ مه‌ماه ۱۳۸۴

روزنامه پازهر، ۱۶ آبان ۱۳۳۰

کامشاد، حسن. حدیث نفس، جلد اول، انتشارات نی، تهران، ۱۳۸۷.

آذرنگ، عبدالحسین. «دانشگاه اصفهان، جنگ اصفهان» مندرج در **جشن‌نامه ابوالحسن نجفی**، به کوشش امید طیب‌زاده، انتشارات نیلوفر، تهران، ۱۳۹۰، ص ۲۳۳-۴۴.

مهیمن، رضا. «چهارباغ، خاطره جمعی مردم ما»، مندرج در **فصلنامه دریچه**، شماره ۳۵، زمستان ۱۳۹۳، ص ۳۲-۳۰.

قوکاسیان، زاون. **زندگی در تماشاخانه اصفهان**، انتشارات نهفت، اصفهان، ۱۳۹۳.



در تابستان سال ۵۷ روزمرگی زندگی روزانه چهارباغ در شمالی‌ترین نقطه آن از افسردگی و وحشت نجات یافت. اصفهانی‌ها در خانه آیت‌الله خادمی روحانی سرشناس و رئیس مدرسه علمیه صدر در نزدیکی فلکه شهدا (بهداشت) بست نشستند، از مطالبات اجتماعی عبور کردند و به طرح مطالبات سیاسی پرداختند. پس از هفته‌ای بست شکسته شد و بار دیگر پس از شهریور ۱۳۳۲ سایه حکومت نظامی بر چهارباغ افتاد، تانک پا به گشتگاه اصفهانی‌ها گذاشت و در فلکه بهداشت (میدان شهدای امروزی) به انتظار نشانه‌روی رو به چهارباغ نشست.

اگر در سالهای قبل از ۳۲ چهارباغ جنوبی (بالا) بود که آتش مطالبات صنفی - سیاسی را برمی‌افروخت، آن را به مطالبه عموم گسترش می‌داد و نیروی شهربانی را به چهارباغ می‌کشاند؛ اما در این زمان چهارباغ بالا پس از سرکوب و اخراج کارگران در سالهای ۳۲ و مهرماه ۱۳۴۰ رام شده و مطالبات کارگران در غوغای «سهیم شدن کارگران در سود کارخانه‌ها» گم شده بود. در مقابل چهارباغ شمالی (چهارباغ پایین) همیشه آرام، که بیشترین جنبش تشویق تیم فوتبال سپاهان در «جام تخت جمشید» در ورزشگاه باغ همایون بود، آتش خشمی را برافروخت که پیامد آن ابتدا حکومت نظامی و سپس راهپیمایی‌های گسترده در طول پاییز و زمستان ۵۷ در چهارباغ بود.